



سخنرانی در دیدار جمعی از روحانیون، ائمه‌ی جماعات و وعاظ کشور، در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان - 22 / اسفند / 1369

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا لازم است به همه‌ی آقایان محترم و عزیز، علمای اعلام، ائمه‌ی محترم جماعات و گویندگان، بخصوص عزیزانی که راههای طولانی را طی فرمودند و تشریف آوردند، خوش آمد بگویم و از همه صمیمانه تشکر کنم. در جمع کنونی ما، شخصیت‌های علمی باارزش، روحانیون و الامقام و خدمتگزار حضور دارند. امیدواریم که خداوند متعال، فیوضات و برکات خود را به همه‌ی شما و به خدمتگزاران این دین مقدس، روزبه‌روز بیشتر افاضه بفرماید و ان‌شاءالله برکات روحانیت عظیم‌النشان را - که در دشوارترین مقاطع تاریخ، مانند باران رحمتی بر سر این ملت نازل شده، راه را نشان داده و در پیمودن راه، به نفوس مردم کمک کرده است - بر سر این ملت و ملت‌های مسلمان، مستدام و مستمر بدارد.

در دیدار با روحانیون محترم و علمای معظم، باید يك مطلب تذکر داده بشود و ادای حقی است که باید انجام بگیرد. آن مطلب، عبارت از ذکر اجمالی خدماتی است که روحانیت برای پیشبرد اسلام و اهداف پیامبران، در طول قرن‌های متممادی انجام داده است. علما، دین و معارف و فقه اسلامی را نگهداشتند، تحریف را از ساحت احکام الهی دور کردند، شعله‌ی ایمان را در دل مردم برافروختند و برافروخته نگه‌داشتند، توجه مردم را به قرآن و تعالیم اهل‌بیت (علیهم‌السلام) تأمین کردند و برانگیختند. علما بودند که در طول تاریخ، با ستمگران مبارزه کردند و پناه مظلومان و ملت‌های ضعیف و مردم مؤمن مستضعف شدند. علما بودند که از فرصت‌ها استفاده کردند، تا معارف اسلامی را گسترش بدهند و سرتاسر بلاد اسلامی را با ایمان اسلامی و با دین، و در این مناطق، با محبت اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و با سیره‌ی آن بزرگواران آشنا کنند. علما بر اساس سیره‌ی انبیا و اولیا زندگی کرده‌اند. شمشیر، دین را در اقطار کشورهای اسلامی نبرد. شمشیر نمی‌تواند ایمان را در دل‌ها برویاند. آنچه می‌تواند گل‌ایمان را در دل‌ها سبز کند، موعظه و تبیین احکام و معارف الهی است. امروز بحمدالله تفکر اسلامی، همه جا در اقطار عالم اسلام زنده است. در یکی، دو قرن اخیر که احساسات آزادیخواهانه در ملت‌ها بیدار شد، به‌خاطر این است که در کشورهای مختلف، علما پیشاهنگ و پیشقراول نهضت‌های موفق شدند. نهضت‌های دیگری هم در کشورهای اسلامی بود که در صفوف مقدم آن، علمای دین قرار نداشتند و غالباً یا عموماً به نتیجه نرسید.

آنچه توانست در شرق دنیای اسلام - یعنی شبه‌قاره‌ی هند - و در غرب دنیای اسلام - یعنی آفریقا - و در میان این دو، دست استعمار را از سر مردم کوتاه کند و فرهنگ اسلامی را حفظ نماید و در مقابل فرهنگ متجاوز و مهاجم بایستد، نفوذ علما بود. در ایران خود ما هم نهضت تنباکو و مبارزه‌ی با استعمار دولتهای خارجی و بیدار کردن مردم و نیز نهضت مشروطیت و مقابله‌ی با استبداد رضاخانی و ادامه‌ی این مبارزه تا پیدایش نهضت مقدس عظیم اسلامی، به پیشقراولی و پیشاهنگی علما بود؛ والا پیش نمی‌رفت. این، يك سابقه و يك تاریخ است؛ کسی هم نمی‌تواند آن را انکار کند؛ مگر مغرض یا جاهلی که حرفی بزند و بخواهد حقیقتی را پوشاند. این، در تاریخ ملت ما و دیگر ملت‌های اسلامی، مضبوط و محفوظ است.

دشمنان کوشش کردند که علما را از صحنه‌ها کنار ببرند، آنها را به کنج مساجد مکتفی و در آن‌جا منزوی کنند؛ تا حدود زیادی هم توفیق پیدا کردند. در همان برهه هم مردم از آگاهی‌های دینی و حرکت عظیم دینی محروم شدند. این، يك باب و فصل طولانی است. همچنین دشمنان تلاش کردند، تا عناصری از میان روحانیون را به خودشان جذب کنند و آنها را اغفال نمایند، یا بخرند و در اختیار اهداف خبیث خودشان قرار بدهند. آن هم فصلی جداگانه



است.

اما حرکت عمومی علمای اسلام، بخصوص در دنیای تشیع و به برکت فرهنگ معارضه و انقلابی تشیع، در خدمت مردم و در مقابله‌ی با استبداد و استعمار و ظلم و امثال آن بود و کار به آن جا رسید که بحمدالله نهضت عظیم ملت ایران به پیروزی رسید و حکومتی بر مبنای دین به وجود آمد. مسلمانان و متدینان، بعد از چند صدسال تحقیر اهل دین، عزت نفس پیدا کردند، احساس سربلندی کردند، زنده شدند و احساسات و شعور و هویت اسلامی در دنیای اسلام پیدا شد.

این که شما می‌بینید در کشورهایی از آفریقا، گروه‌های اسلامی داعیه‌ی حکومت پیدا کرده‌اند، یا مسلمانان با حکومت‌های ستمگر مبارزه می‌کنند و شعار الله اکبر می‌دهند، یا حتی کسانی که از اسلام بری هستند، ولی به تظاهر به اسلام مجبور می‌شوند، چیز جدیدی است. اینها ناشی از این صبح روشنی است که به برکت پیروزی انقلاب اسلامی و این حرکت عظیم، در تاریخ ملت‌های مسلمان به وجود آمده است. این، مرهون زحمات علمای بزرگ و بیش از همه آن بزرگمردی بود که رهبری و بنیانگذاری این حرکت را با دست توانا و دل پراراده و پرایمان خود و با توکل بی‌پایان و با تقرب به خدا و اخلاص الله انجام داد و حادثه‌ی در تاریخ شد. این انقلاب، انصافاً حادثه‌ی بی‌نظیری است. حکومت تشکیل شد، نظام اسلامی پیاده گردید و روزه‌روز بحمدالله به احکام اسلامی نزدیکتر می‌شویم و باید هم بشویم. ملت‌های مسلمان بیدار شده‌اند و حرکت به سمت گسترش ایمان اسلامی آغاز شده است. این، آن چیزی است که تاکنون شده است.

روحانیت اسلام، بخصوص تشیع، امتیازات بسیاری دارد. عشق اینها به علم، اخلاص برای خدا، دلسوزی برای مردم، بی‌اعتنایی به دنیا، نترسیدن از قدرتها و قلدرها و زورمدارها، وابسته نبودن به ارباب قدرت، امتیازات فراوانی است که هست و بودهای ما اینهاست. اما علاوه‌ی بر آنچه که ما به عنوان مثبتات روحانیت داریم، باید‌هایی هم هست که بایستی به آنها توجه کرد، تا این حرکت استمرار پیدا کند.

نکته‌ی اساسی این است که آنچه امروز در صحنه‌ی جمهوری اسلامی به وسیله‌ی روحانیت ظهور کرده است، نمی‌شود آن را به حساب روحانیون زمان و عصر ما گذاشت و گفت روحانیون این زمان، این هنر را کرده‌اند. این طور نیست. آنچه روحانیون این زمان انجام دادند، استفاده‌ی خوبی بود که از ذخیره‌ی هزارساله‌ی آبروی روحانیت کردند. روحانیت شیعه، در طول هزار سال به مرور دهور، گنجینه‌ی عظیمی از آبرو و حیثیت و وزانت به وجود آورده بود و در عصر ما، آن بزرگمرد عظیم‌الشأن، آن امام بزرگوار و شخصیت استثنایی و دیگر کسانی که در کسوت روحانیت بودند و در این راه حرکت کردند، از آن گنجینه بهترین استفاده را کردند.

اما این طور نیست که این ذخیره تمام‌نشده باشد. اولاً باید این ذخیره حفظ شود، ثانیاً بر آن افزوده گردد. اگر خدای نکرده بر اثر بی‌توجهیها، غفلتها، وقت‌شناسیها، وظیفه‌شناسیها و منحرف شدن از خط معمولی روحانیت در طول هزار سال، آن ذخیره‌ی هزارساله آسیب ببیند؛ آن الماس گرانبهائی که بر اثر گذشت قرن‌ها و عصرها و دوره‌ها و مجاهدتها و اخلاصها به وجود آمده بود، خدشه‌دار شود، یا بشکند، باز روزگار زیادی لازم خواهد بود، تا بشود آن چنان ذخیره‌ی را فراهم آورد. پس، در این روزگار، اولین باید ما معلمان و متزییان به زی علم و روحانیت، حفظ آن آبرو و حیثیت هزارساله است که بحمدالله در طول دوران انقلاب، این آبرو مضاعف شد و چهره‌ی روحانیت شیعه، به خاطر گذشت و فداکاری، درخشندگی پیدا کرد.

وظیفه‌ی اساسی روحانیت، هدایت مردم به سمت اهدافی است که قرآن کریم و نیز پیامبران در طول تاریخ نبوت، آنها را ترسیم کردند و وسیله‌ی آن، انذار است. "لیکون للعالمین نذیراً"، "ان انذر قومک"، "انذرهم یوم الحسره"; انذار و ترساندن. ما در موضع کسی که می‌خواهد میراث فخیم علمای دین در طول این هزار سال را حفظ کند و هدایت مردم را استمرار بدهد، باید به منقلب کردن دلها، روشن کردن ذهنها، تصحیح مسیرها و جهت‌گیریها، خالص کردن



عملها و تحول درونی مردم به يك مؤمن واقعي با اخلاق حقيقي اسلامي، همت بگماريم. اين، وظيفه ي اصلي ماست. اين، همان انذار است. اين مقصود بزرگ، به وسيله ي انذار انجام مي گيرد. اگر مردم متحول شدند، دنيا متحول خواهد شد. اگر مردم از تحول عميق برخوردار شدند، اين حرکت تا ابد ادامه پيدا خواهد کرد. اگر اخلاق مردم، اخلاق اسلامي و قرآني شد، تمام وعده هاي قرآن درباره ي اين ملت تحقق پيدا خواهد کرد. ما مي خواهيم اين راه ادامه پيدا کند و اين حرکت تا اهداف نهايي و غايي پيش برود. با چه وسيله يي؟ با مردم مؤمن.

پس، بايد اين ايمان و اين اخلاق اسلامي را به اعماق روح مردم رساند و آن تحول واقعي که دين براي آن مي آيد - دين براي ايجاد تحول واقعي در نفوس انسانها و تهير و تزکيه ي اين نفوس مي آيد - انجام بگيرد. تلاش ما بايد اين باشد. بايد از انذار غفلت نکنيم. بايد از ترساندن مردم از عذاب خدا و آنچه که خداوند متعال در دنيا و آخرت براي بدکاران وعده کرده است، غفلت نکنيم؛ همان طريقه و روشي که در گذشته انبيا و اوليا و بزرگان ما، براي مؤمن کردن و مؤمن نگهداشتن مردم انجام مي دادند.

به نظر من، امروز انذار ممکنتر و عملیتر است. در آيه ي کریمه ي قرآن، خدای متعال به پیامبر مي فرماید: "لينذر من كان حيا". انسانهاي زنده و قلوب زنده را مي شود انذار کرد. اين حيات، همان چيزي است که با انقلاب و با حرکت و با جهاد، در يك جامعه به وجود مي آيد. بعضي از مفسران، ذيل آيه ي شريفه ي "يا ايها الذين امنوا استجبوا لله وللرسول اذا دعاكم لما يحييكم" گفته اند - شايد روايت هم دارد - که "لما يحييكم"، يعني جهاد. امروز به برکت جهاد عمومي مردم، اين حيات هست. پس، انذار عملیتر است. اگر "مايحييكم"، قرآن هم باشد، امروز در جامعه ي ما، قرآن داراي رواج است و مردم به طور نسبي با قرآن انس دارند. اين انذار، عملیتر است. ما در مساجد و منابر، در مجالس قرآن و در همهي اجتماعات ديني که مردم دارند، بايد مردم را انذار کنیم. بحمدالله حرکت آگاهي بخشي سياسي و اجتماعي و ديد وسيع سياسي به مردم دادن، از پيش از انقلاب شروع شد؛ امروز هم هست و ادامه دارد و ادامه خواهد داشت. در کنار اين آگاهي بخشي، بايد روح معنويت را در مردم بيدار کرد. براي اين کار، ماه رمضان بهترين فرصت است.

البته برادران عزيز! از خودمان هم بايد شروع کنیم. مردم به عمل ما نگاه مي کنند. روحاني، آن وقتي سخن نافذ خواهد داشت که عملا نشان بدهد به زخارف دنيا بي اعتناست و آن حرصي که بر دلهاي دنيا داران و دنيا مداران حاکم است، بر او حاکم نيست. اين را بايد به مردم نشان بدهيم. روحانيت، در سايه ي پارسايي بود که اين حيثيت و آبرو را پيدا کرد. اين پارسايي و بي اعتنايي به دنيا و به زخارف، بايد حفظ شود.

البته بي اعتنايي، با برخورداري در حد متوسط، منافاتي ندارد. دنبال دنيا دويدن، هر چيزي را که از جلوه هاي زندگي مرفه و راحت و خوب و اشرافي و متجملانه است، خواستن و به دنبال آن بودن و براي آن تلاش کردن - که اهل دنيا، لحظه به لحظه ي عمرشان در دنبال اين چيزهاست - دون شأن اهل علم و روحاني است. مردم بايد اين را از ما ببينند و احساس کنند.

برادران عزيز! امروز فرصت عظيمي در اختيار روحانيت است. در طول تاريخ، بعد از زمان رسول اکرم (صلي الله عليه واله وسلم) تا امروز، هيچ وقت چنين فرصتي در اختيار دعوات دين نبوده است. دعوت کنندگان دين، چه زماني چنين فرصت به اين مغتنمي را در اختيار داشته اند؟ فرصت عظيم و عزيزي است. ما امروز به عنوان مبلغان دين، بايد بتوانيم يك نقش کارآمد و ماندگار ايفا کنیم. خدای متعال از ما سؤال مي کند و اين وظيفه ي ماست و بايد خودمان را آماده کنیم.

امروز ملتها به احکام اسلامي نياز دارند. امروز حتي ملتهاي غيرمسلمان، به احکام اسلامي نياز دارند؛ چه برسد به ملتهاي مسلمان. اين ملتهايي که مي بينيد پشتشان زير بار قدرتهاي بزرگ خم شده و زجر مي کشند، به خاطر دوري



از اسلام است. بیداری اسلامی، ملتها را نجات خواهد داد. به همین خاطر است که امروز هوشمندترین انسانها در کشورهای مختلف، به خط اسلام - همان راهی که قرآن به آنها نشان می‌دهد - رو آورده‌اند؛ چون راه عزت و راه نجات است. در حال حاضر، دنیای اسلام با تمام وجود، به نقشی که ممکن است امروز معلمان و روحانیون و علما و گویندگان و وعاظ و طلاب علوم دینی و ائمه‌ی جماعت و همه‌ی ملبسان به لباس تبلیغ و دعوت و دین ایفا کنند، نیازمند است.

امروز دنیا در دست بی‌رحمترین سیاستمداران و قدرتمندان اداره می‌شود. امروز دنیا به دست کسانی اداره می‌شود که بی‌رحمی را با فریبکاری، غداری، تبلیغات دروغ، حتی در مواردی ادعای معنویت، ادعای طرفداری از حقوق بشر و طرفداری از ملتها، توأم کرده‌اند! آن قدرت ظالمانه و جائزانه و آن تظاهر به طرفداری از انسان و انسانیت، امروز ملت‌هایی را اسیر کرده و دربند نگهداشته است.

امروز وضع ملت عراق را مشاهده می‌کنید. ملت عراق، سالهاست که متأسفانه در اثر این سیاست پلیدی که بر کشورشان حاکم بوده و هست، دچار رنجند. آنها را به جنگ با ایران کشاندند، به کارهای دشوار و برادرکشی و جنگ ناخواسته وادارشان کردند، بعد هم مسأله‌ی تهاجم نیروهای چندملیتی را به وجود آوردند؛ امروز هم این وضع و این فشاری که مشاهده می‌کنید، بر این مردم مظلوم و مؤمن وارد می‌شود.

اسلام آنها را نجات خواهد داد. اگر ملت عراق هم امروز بخواهند نجات پیدا کنند، باید به اسلام بچسبند؛ بایستی از اسلام دفاع کنند؛ باید آن چنانی که اسلام دستور می‌دهد، فداکاری کنند و به سمت حاکمیت اسلام حرکت نمایند. امروز در مقابل فشاری که بر این ملت وارد می‌شود، همان مدعیان حقوق بشر سکوت کرده‌اند! برای کمترین حادثه‌ی سروصدا راه می‌اندازند؛ ولی برای حادثه‌ی که امروز یک ملت را زیر فشار قرار داده، سکوت می‌کنند! این سکوت، ناشی از همان روح زورمداری، استثمارگری، بی‌اعتنایی به حقوق ملتها و انسانها و همان دروغ‌گویی است که همیشه داشته‌اند.

من یک جمله در باب ملت عراق عرض بکنم. ما حقیقتاً نسبت به آنچه که بر این ملت می‌گذرد، غمگین و ملول و متأسفیم. از این که کسانی که مدعی حکومت بر عراق هستند، با ملت عراق این‌طور رفتار می‌کنند، متأسفیم. مردم عراق را می‌کشند، بنابر بعضی از نقلها - که ما هنوز صحت و سقم آن را درست نمی‌دانیم - مردم عراق را با گازهای شیمیایی هدف قرار می‌دهند و خانه‌های آنها را بر سرشان خراب می‌کنند. شهرها را یک‌بار نیروهای چند ملیتی بمباران کردند، یک روز هم اینها بمباران می‌کنند!

ملت عراق، ملت مظلومی شده‌اند. برای مردم عراق، امتحان بزرگی است. میان مردم عراق، برادرکشی به راه انداخته‌اند. این ارتشی هم که امروز در مقابل مردم قرار گرفته است، جزو همین ملت عراق است. بر ارتش عراق، تیراندازی به سمت ملت عراق حرام است.

آنچه خواهد توانست آن ملت را نجات بدهد، استقامت و توکل به خداست. به سرنوشت ملت ایران نگاه کنند و آنچه را که خدای متعال در سایه‌ی مقاومت به این ملت داد، ببینند و آن را سرمشق قرار بدهند و همان‌گونه عمل کنند.

خلاصه‌ی عرایض من به برادران عزیز این است که با بیان معارف حق‌هی الهیه برای مردم و انذار آنها، این ماه رمضان را آباد کنید. مردم را به تقوا و به عمل و به خداترسی سوق دهید. قیامت و عذاب الهی را برای مردم بیان کنید. روایاتی که در این باب هست، برای مردم بخوانید. دل‌های مردم را با خدا آشنا و مأنوس کنید. جهاد و مبارزه و استقامت و سازندگی کشور و دنیا و آخرت، در سایه‌ی اتصال به خدا و آشنایی دل‌ها با او امکان‌پذیر است.

امیدواریم که به برکت انفاس طیبه‌ی آقایان محترم، ملت مسلمان و عزیز ما بتوانند معارف اسلامی و قرآنی را در این ماه رمضان و همیشه، بیش از گذشته فرا بگیرند.



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته